



۹ مارس ۲۰۱۰

## «باد» و باجی

مقدسات و ابتذال به یکسان انسان ستیزاند، به همین دلیل غلامبچگان و کنیزکان جمکرانی استعمار در داخل و خارج مرزهای ایران می‌کوشند انسان را به این دو عامل انسان‌ستیز پیوند دهند، پس جای تعجب نیست که این پروپاگاندا سرکوبگر بخواهد خود را به ۸ مارس، روز جهانی زن نیز مرتبط کند.

محور پروپاگاندا زن‌ستیز چند شاخه دارد که همزمان در ایران و در خارج مرزهای کشور فعال است. این شاخه‌ها که در ظاهر با یکدیگر متفاوت می‌نمایند، در واقع هدف مشترکی را پیگیری می‌کند: تحریف و تخریب روز جهانی زن، یعنی همان ۸ مارس خودمان. زن‌ستیزان درونمرزی جمکران - دولتی و جنبش سبز - می‌کوشند روز جهانی زن را با تقدس دین در ارتباط



مهرانگیز کار، در سایت رسوای «روزآنلاین» مزخرفاتی سر هم کرده تا همزمان چند پیام استعماری را جهت تخریب طرفداران آزادی‌های زنان به مخاطب القاء کند. نخستین پیام کنیزک فرنگ‌نشین حکومت جمکران این است که، زنان مخالف با حکومت اسلامی به دلیل مخالفت با حجاب از کشور خارج شده‌اند و مطالبات‌شان از حذف آن تکه پارچه کذا فراتر نمی‌رود! پیام دیگر عیال سیامک پورزند، القای این دروغ بیشرمانه است که زنان مخالف پوشش اجباری خارج از ایران زندگی

قرار دهند، از اینرو پرسوناژهای موهوم بی‌بی‌گوزک‌های صحرای کربلا، از قبیل زینب و فاطمه را مدافع حقوق زن می‌خوانند تا از این طریق دین زن‌ستیز اسلام را مترقی و پیشرفته جلوه دهند. بیانیۀ ابلهانه زهره کاظمی، که در وبلاگ «تف و تقدس» به آن پرداختیم، آینۀ تمام نمای این پروپاگاند استعماری است. در خارج مرزها، شاخۀ دیگر همین پروپاگاند مهوع جهت شبیه‌سازی، روز جهانی زن را به ابتدال تجمع کنیزکان اندرونی پیوند می‌زند. این وظیفۀ مقدس را یکی از خاله‌شلخته‌های سرشناس ساواک جمکران، یعنی مهرانگیز کار بر عهده گرفته.



مورخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۸۸ انتشار یافته، لازم است در مورد دو وبلاگ «تف و تقدس» و «هشت مارس» چند نکته را یادآور شویم.

نخست اینکه تصاویر مهوع زهره کاظمی با آرایش تند و انگشتی‌های رنگ‌وارنگ یک کیلوئی نیز به سیاست «چنج» گرفتار آمد. به عنوان نمونه در سایت کلمه، عیال میرحسین فعلاً همچون شیخ‌الاسلام یک تسییح در دست دارد، روسری گل‌منگلی‌اش نیز تقریباً ناپدید شده، و جمال بی‌مثال‌اش چندان مشخص نیست و خلاصه کمتر چشم آزار است. حال بازگردیم به وبلاگ «هشت مارس» و فیلم تظاهرات زنان در «یوتوب» که مزورانه و ناشیانه مونتاژ شده.

در فیلم کذا هیچ اثری از صفوف فشرده «مردم»، یعنی همان چاقوکش‌های ساواک که بطری‌های شکسته و چوب و چاقو و آجر به دست داشتند به چشم نمی‌خورد. و کسی که در این تظاهرات حضور نداشته، با دیدن این فیلم مونتاژ شده به این توهم دچار خواهد که روز ۸ مارس ۱۹۷۹، تظاهرات زنان بدون درگیری برگزار شده. حال آنکه واقعیت جز این است. خبرنگاران غربی و نیروهای انتظامی پس از پایان قرائت قطعنامه راه‌پیمایان به سرعت از صحنه دور شدند، و راه را برای تهاجم «مردم» به زنان گشودند. همچنانکه در وبلاگ «هشت مارس» هم گفتیم، ما از خیابان شاهرضا به سوی میدان شهید حرکت می‌کردیم، اوباش ساواک در پیاده‌رو، و خبرنگاران و نیروهای انتظامی در سمت دیگر خیابان آیزنهاور در همین مسیر ما را همراهی می‌کردند. ولی در فیلم تحریف شده «یوتوب» نه اوباش ساواک دیده می‌شوند، نه اتومبیل‌های نیروهای انتظامی!

می‌کنند، و از پیشرفت‌های زنان، یعنی برگزاری میهمانی به مناسبت خروج ایشان از «زندان تبلیغاتی» بی‌خبراند، و از همه مهم‌تر اینکه همه زنان ایرانی در داخل مرزها با حجاب موافق‌اند! و این مزخرفات با تحریف تاریخ ۸ مارس در تقویم ایران آغاز می‌شود. خلاصه بگوئیم، در ذهن علیل مهرانگیز کار، ۸ مارس به ۱۰ مارس اسباب‌کشی می‌کند، در نتیجه با ۱۹ اسفندماه تقارن می‌یابد! به یاد داریم که خاله‌شلخته‌های آش‌فروش به ریاست زهره کاظمی نیز ۸ مارس را یک روز عقب کشیده، آنرا در تاریخ ۱۶ اسفندماه برگزار کرده‌اند. باری در تداوم همین تحریف‌ها و تخریب‌ها و پوچ‌پردازی‌هاست که صبیۀ آخوند خلخالی در رادیو فرانسه، لغو پوشش اجباری زن، یعنی نخستین و ابتدائی‌ترین حقوق انسانی را «حداکثر مطالبات» زنان به شمار می‌آورد!

می‌دانیم که در قاموس جیره‌خواران تفنگ‌فروشان غرب، امثال فاطمه‌صادقی، همچون شهلا شرکت، شادی صدر، شیرین عبادی و... و دیگر باجی‌های اسلام‌پرست، همگی مترقی و آزادی‌خواه به شمار می‌روند. و انصافاً مهرانگیز کار، به عنوان مدافع سرسخت ابتدال، روضه و زوزه و مرگ جایگاه ویژه‌ای در فهرست باجی‌های برگزیده استعمار به خود اختصاص داده، و اگر روزی زمین از وجود پلیدش پاک شود، به مصداق مثل معروف «کله‌پز برخاست، سگ جایش نشست» صبیۀ سیامک پورزند بجای مادر «فرهیخته» انجام وظیفه خواهد کرد. اینچنین است که «بازتولید» محافل استعماری و ایران‌ستیز، به پیروی از الگوی مقدس و از طرق موروثی صورت می‌پذیرد. بارها گفته‌ایم، باز هم می‌گوئیم، مزدوری استعمار پیشه‌ای است موروثی. پیش از پرداختن به پوچ‌پردازی‌های مهرانگیز کار که در «روز آنلاین»



فیلم کذا چنین القاء می کند که تمام عرض خیابان را جمعیت راه پیمایان پوشانده. دلیل این است که فیلم تظاهرات زنان پیش از تاریخ ۸ مارس ۱۹۷۹ را به عنوان تظاهرات ۸ مارس عرضه می کنند. تنها تصویر واقعی از تظاهرات ما، تصویر پرستارانی است که از محل کارشان برای ما دست تکان می دهند. و در همین لحظه بود که چماقداران حکومت اسلامی عربده «مرگ بر پرستار» سردادند. ولی هیچ اثری از چماقداران حکومت «پیشرفته» و «مترقی» و عربده های وحشیانه شان بر جای نمانده! اما اگر گورکن ها و اربابان شان فیلم مونتاژ می کنند، یا در سایت آخوندپرست «زمانه»، با مزخرفبافی تاریخچه ۸ مارس «اختراع» کرده اند و چپ مفلوک و مجاهد خلق را در تظاهرات ۸ مارس ۱۹۷۹ شریک می کنند، خاطرات و مشاهدات ما را هیچکس نمی تواند تحریف کند. به عبارت دیگر هیچیک از گروه های سیاست پیشه خودفروخته در جمران نمی تواند «انا شریک» گویان وارد صفوف ما شود.

ما، به عنوان مخالفان حکومت اسلامی روز جهانی زن را برای ابراز مخالفت خود برگزیدیم. مشکل ما برخلاف تبلیغات سازمان سیا با روسری نبود، با حکومت دست نشانده ای بود که به نام مقدسات دین و با تکیه بر «مشروعیت خیابانی» سرکوب زنان را «حق» خود می دانست و امروز نیز این «حق» از آن او شناخته شده. پس مهرانگیز کار و دیگر باجی های درونمرزی و برونمرزی ساواک، بجای بازنشخوار استفراغ ارباب در سازمان سیا به یاد داشته باشند که تظاهرات ۸ مارس ۱۹۷۹ در واقع تداوم نامه سرگشاده مصطفی رحیمی در مخالفت با به اصطلاح «جمهوری اسلامی» بود، نه در مخالفت با یک تکه پارچه.

البته می دانیم که سازمان سیا بلاهت پرور، حماقت گستر و بنده نواز است، و باجی ها و غلام باجی های اش را همواره

از میان بهترین ها در محفل کیهان و اطلاعات برمی گزینند. محفلی که احسان نراقی، آیدین آغداشلو، ملامد خاتمی، هاله اسفندیاری، حمید مولانا، شائول بخش و ده ها نخبه ایران ستیز، ابتدال گستر و مزخرفباف را به ملت ایران تقدیم داشته. حال بازگردیم به نشخوارات «میم کاف» یا همان مهرانگیز کار در سایت روز.

«میم کاف» با پیروی از همان الگوی پروپاگاندا «تزلزل همه جانبه» که در وبلاگ «تف و تقدس» به آن اشاره کردیم، به ابتر کردن روز جهانی زن مشغول شده. «روند» کذا این است که از طریق تحریف ماهیت تظاهرات ۸ مارس ۱۹۷۹، نمایش مهوع دوم خرداد یعنی استخراج ملامد خاتمی را تداوم مطالبات ۸ مارس ۱۹۷۹ و تبلور مبارزات زنان ایران طی سده اخیر جلوه دهند!

میم کاف می نویسد، در میهمانی های خانوادگی، «۸ مارس» بر پا می شد! به این ترتیب که «سفره» می انداختند، و پس از برچیدن سفره، تلویحاً پس از زوزه و زیارت و کوفت کردن آش نذری، «مبارزات» می فرمودند! مشروبات الکلی هم وجود نداشت، و پس از برچیدن سفره، یک صندلی می گذاشتند در صدر مجلس، یعنی همه روی زمین تمرگیده بودند، و خلاصه در پی چنین مبارزات «فرهنگی ای» بود که خاتمی «سبز» شد! میم کاف تأکید می کند که «انتخاب» خاتمی هیچ ارتباطی با پوپولیسیم نداشت، می دانیم که مهرانگیز کار، از مفهوم پوپولیسیم نیک آگاه است!



اصولاً جیره‌خواران سازمان سیا نیازی به شناخت «مفاهیم» ندارند، وظیفه اصلی اینان پراکندن واژگان مطلوب ارباب در متن‌های الکن «دبستانی» است. به عبارت دیگر انتشار دروغ، تحریف تاریخ و دامن زدن به هر آنچه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم «مرگ»، «مقدسات»، «خشونت»، «ابتذال»، «ابهام» و «تعصبات» قومی را تداعی کند. مقالات شیوای حاج عباس میلانی، نامه‌های سرگشاده محمد ملکی، ترهات «جمع‌گرایان» و «مردم پرستان»، مزخرفات طرفداران «رنگ سبز» و... همه و همه از یک منبع الهام سرچشمه می‌گیرد: پروپاگاندا سازمان سیا و شرکاء در ناتو. از اینرو نمی‌باید از مزخرف‌بافی‌های میم‌کاف تعجب کنیم، خصوصاً زمانی که می‌فرمایند کسانی که اینگونه در مورد خاتمی «داوری» می‌کنند، از خواست‌های جامعه آگاه نیستند:

**«برگزاری ۸ مارس در مهمانی‌های خانوادگی و دوستانه در یادگیری این راه و رسم نقش مهمی ایفا کرد...» بنا بر این آقای محمد خاتمی به طور ناگهانی روی زمین سیاست ایران سبز نشد...» ظهور محمد خاتمی روز ۲۲ خرداد ۱۳۷۶...»**

بله، اشتباهی در کار نیست، ایشان «حماسه» دوم خرداد، یا ظهور خردجالی به نام محمد خاتمی را در تاریخ ۲۲ خردادماه بازتولید می‌فرمایند تا محمد را به میرحسین یا حسین وصله کنند. پس از این دوخت و دوز است که خاتمی، همچون موسوی در تاریخ ۲۲ خردادماه «ظهور» می‌کند! اصولاً همه نوکران استعمار «ظهور» می‌کنند! در همین چند جمله می‌توان «تحریف» روز جهانی زن، تحریف تاریخ استخراج خاتمی از صندوق مارگری، تبلیغات برای رنگ «سبز» و تقدیس ملامد و «ظهور» نخبه‌ای به نام مهرانگیز کار را مشاهده کرد. همچنانکه می‌بینیم روز

جهانی ۸ مارس را مهرانگیز کار و اعضای محفلی که جامعه به اصطلاح «مدنی» نام گرفته در میهمانی‌های خانوادگی و دوستانه «فراگرفتند»، و همین فراگیری‌ها بوده که به «ظهور» محمد خاتمی منجر می‌شود، آنهم نه در دوم خرداد، که در ۲۲ خردادماه!

البته ما هم می‌دانیم که شاید اردکان به صورت ناگهانی در «شوره‌زار سیاست» اسلام زده ایران نروئید، این علف‌هرز را با کود مرغوب آلمانی و تحت نظارت سازمان سیا از دوره پهلوی‌ها در کشور ایران پرورش دادند و نهایت امر به «دولت‌مرد» تبدیل کردند. بله آلمان سرزمین شگفتی‌هاست، هر چه سازمان سیا در جمکران زباله و پشگل و پهن تولید کند، در سرزمین «زیگ‌فرید» تبدیل می‌شود به «نخبه!» به عنوان نمونه از «میهمانان» کنفرانس برلن یاد کنیم که مهرانگیز کار هم یکی از آنان بود. ایشان نیز پس از تحمل دو ماه «زندان» به سبک و سیاق دیگر زندانیان «تزیینی» حکومت یک راست وارد ینگه دنیا شدند و به عنوان دست‌گرمی چندین و چند جایزه هم دریافت داشتند تا روز ۸ مارس را در تقویم ایران دو روز جلو ببرند، و چنین مزخرفاتی در باب افتضاحات جمکران نیز برای ملت چپاول شده ایران سر هم کنند.

«کار» ادعا می‌کند در ایران طبقه متوسطی وجود دارد که از یک سده سابقه مبارزات برخوردار است! و همین طبقه «نیست‌درجهان» مراسم ۸ مارس برگزار می‌کرد! پس جای تعجب نیست که ۸ مارس اینان همان بساط سفره نذری و روضه خوانی باشد. گویا سفره را که جمع می‌کردند، ۸



مارس هم عین آنحضرت «ظههور» می‌کرد، و خلاصه کنیم برای باجی‌های سازمان سیا روز جهانی زن از نشستن روی زمین و بادگلو کردن پس از لبانندن آش و حلوا فراتر نخواهد رفت. البته فراموش نکنیم که این میراث مبارزاتی به مراتب بیش از یکصد سال قدمت دارد! از وقتی سفره پهن می‌کردند و سفره بر می‌چیدند، و بچه‌ها به حال خود رها شده و عین کرم در هم می‌لولیدند، مبارزات «جامعه» به اصطلاح مدنی مهرانگیز کار هم آغاز شده. مبارزاتی که شباهت عجیبی به مجالس مبتذل روضه و زوزه دارد و در کمال تعجب در مسیر خواست محافل استعماری و راست‌گرایان فاشیست، روز جهانی زن را نیز به «حریم خصوصی» و خانوادگی تبدیل کرده:

«زنان طبقه متوسط با [...] سواد و بینش سیاسی که میراث مبارزات تاریخی و صد ساله آنها بود، ۸ مارس را در خانه‌های خود جشن می‌گرفتند [...] در مهمانیهای خانوادگی [...] ۸ مارس [...] بچه‌ها دور هم می‌لولیدند و همگی دور سفره بزرگ و سفیدی که پهن می‌شد کنار دست بزرگترها می‌نشستند. مشروب الکلی در کار نبود. سفره را که جمع می‌کردند، چهره مخفی ۸ مارس ظاهر می‌شد. یک صندلی می‌گذاشتند بالای مجلس [...]»

بله این است روز جهانی زن به روایت مهرانگیز کار، تحفه محفل استعمار که پس از گذراندن مراحل پیشخدمتی در ایران، اکنون در بارگاه ارباب به مخالف‌خوانی و فیلسوف‌منشی مشغول شده. این «معجزات» مسلماً از همان مبارزات سر سفره ناشی می‌شود. در مملکتی که یک ویلاگ‌نویس را اعدام می‌کنند، مهرانگیز کار به جرم توطئه برای براندازی حکومت فقط دو ماه زندانی می‌شود، و ناگهان سرفراز و بسیار مفتخر سر از چراگاه‌های موسام در ایالات متحد در می‌آورد! این است میراث پربرکت یکصد سال «مبارزه» و «پیشخدمتی» در محافل استعماری. باری مهرانگیز باجی می‌افزاید، پس از ۲۳ سال که روز ۸ مارس پنهانی برگزار می‌شد، نوشین احمدی

و پروین اردلان به مناسبت آزادی سه تن از نخبگان یعنی شیرین عبادی، شهلا لاهیجی و «من» از زندان مراسم پروتقی برگزار کردند که سیمین بهبهانی، «بانوی شعر و شجاعت» جمکران و دیگر زنان نخبه چاه کذا هم در آن حضور داشتند. همه چیز بخوبی گذشت، فیلم‌بردار و عکاس هم داشتیم و هیچکس مزاحم ما نشد، چون دولت خاتمی تا این حد کارائی داشت. اما عکس‌های این مبارزات خانگی هرگز منتشر نشد، چون عکاس را دستگیر کردند و...

و دیدید چه شد؟! اینگونه بود که ما ملت از مشاهده تصاویر مبارزات آش‌فروشان سر سفره سورچرانی و حلواخوری محروم شدیم! اما خوشبختانه رهبر معنوی باجی‌ها هنوز در قید حیات است و از نبرد کازرون و جنگ ممسنی در راه احقاق حقوق زنان حدیث و روایت فراوان می‌بافد و جهت «مبارزه» به ما درس‌ها می‌دهد! به طور مثال می‌فرماید چگونه بجای در از پنجره وارد شویم تا نتایج درخشانی به دست آوریم. البته دیدیم چگونه مهرانگیز کار و شرکاء همچون دیگر قطاع‌الطریقان فرهیخته برای زدن جیب ملت ایران از پنجره وارد شدند، ولی تا حال نمی‌دانستیم که این عمل در قاموس عملة استعمار «کارورزی مدنی» خوانده می‌شود:

«ایرانیان زیر تیغ تندروهای دینی [...] به جای در از پنجره وارد می‌شدند. این شکل از کارورزی مدنی در حوزه مطبوعات فرهنگی و سینمایی درخشان بود [...] آن کارورزی‌های بزرگ [...] یک سرمایه بزرگ اجتماعی است که نسل‌های جوان از آن بسیار سود می‌برند [...]»



ما هم به نوبه خود به نسل جوان توصیه می‌کنیم تقلب و پنهان‌کاری و پدرسوختگی پیشه کند تا همچون مهرانگیز کار در زندگی موفق شود. ولی فراموش نکنیم که «میم‌کاف» همه این مزخرفات و ابتذالات را سر هم کرده تا تظاهرات ۸ مارس ۱۹۷۹ را با تجمع خانگی آش‌فروشان در دوره ملامد خاتمی جایگزین کند. عیال سیامک پورزند به پیروی از همین «کارورزی‌های بزرگ» بیشرمانه ادعا می‌کند، «نخستین تجمع ۸ مارس» در دوره محمد خاتمی برپا شد! البته با شرکت زن‌نمایان کمپین یک میلیون کاسه آش که تصاویرشان را هم در این «نخستین ۸ مارس» با دستگیری عکاس از دست داده‌اند! فراموش نکنیم که عکاس مجلس سورچرانی آش‌پرستان دستگیر شده. مهرانگیز کار در ادامه این دروغ‌ها می‌افزاید حال که از مبارزات ۸ مارس خودمان عکسی در دست نیست، باید همه جا از آن «صحبت» کنیم، چرا که آینده ایران بر این اساس ساخته خواهد شد. همانطور که می‌بینیم در قاموس اینان آینده ایران نیز قرار است بر پایه دروغ‌های ابلهانه مهرانگیز کار در راستای شبیه‌سازی ۸ مارس ساخته شود:

**«اگر از آن ۸ مارس که نخستین ۸ مارس در فضای عمومی بود عکس و فیلمی نداریم [...] بنابراین [...] به هر مناسبت باید از آن سرمایه‌هنگفت اجتماعی حرف بزنیم [...] این ذخیره‌ای معنوی، و مدنی و انسانی است [...] که آینده ایران بر شالوده آن ساخته می‌شود.»**

نخستین ۸ مارس بدون فیلم و عکس در «چاردیواری عمومی» خیلی غم‌انگیز باید باشد، بخصوص که در این ۸ مارس ساخته و پرداخته توهमत محفل هاله اسفندیاری همه کنیزکان زن‌ستیز جمکران هم حضور به هم رسانده بودند! افسوس و صدافسوس که این «سرمایه معنوی» اینچنین برباد رفت!

که گفته‌اند، «بادآورده را باد می‌برد!» این ۱۰ مارس که قرار است ۸ مارس باشد، نیز دستاورد نفخ ناشی از نخود لوبیای آش بوده و قربانی همان باد شده! چقدر این سرمایه «انسانی» و «مدنی» بود! ما اطمینان داریم که عکاس بزم باجی‌ها را کسی دستگیر نکرده، سر کرده باجی‌های جمکران، یعنی مهرانگیز کار دروغ به هم می‌بافد، و اصرار دارد دروغ‌های‌اش را با «روایت» دستگیری عکاس به خورد مخاطب بدهد.

کسی که «حقوق‌دان» است اگر یک جو شعور داشته باشد باید بداند فیلم و عکس نمی‌تواند سندی‌ات داشته باشد، چرا که اگر دیروز مونتاز فیلم و عکس کار مشکلی بود، امروز هر بچه محصلی می‌تواند این «مونتاز» را عملی کند. و اما وراجی کردن بدون ارائه سند و مدرک هم جز ادعای پوچ نیست. رهنورد هم ادعا می‌کند جنبش سبز بازتاب همه آرمان‌های انسان‌های آزاده است. ولی برای کسی که سال‌هاست با به زیر پا گذاشتن حقوق انسان‌ها در جامعه برای خود پست و مقام دست‌وپا کرده، این حرف‌ها از مرحله ادعا و لاف و گزاف فراتر نخواهد رفت. عمله‌اکره جمکران از این ۸ مارس ۱۹۷۹ سخت دلخوراند، چرا که تظاهرات زنان ایران در این روز نخستین اعتراض به توحش اسلام و به اصطلاح «انقلاب» ساختگی سازمان سیا بود و آبدارترین تفی است که بر چهره کریه حکومت اسلامی انداخته شده. تفی جاودان بر چهره رهبرکبیر و همه «انقلابیون» فرصت‌طلب و پیشخدمت‌های سنتی محفل استعمار، به ویژه وکلای «بیدادگستری» و مداحان و قلم به مزدهای متعهد و مکتبی.

